

فاندرلیو و پدیده‌شناسی دین

میرچا الیاده
ترجمه کامبیز پورناجی



ساختارهای درونی پدیده دینی است. او به اشتباه گمان می‌کرد که توانسته است کل پدیده‌های دینی را به سه ساختار بزرگ و اصلی، یعنی پویش‌گرایی، روح‌باوری، خداباوری تحویل کند. با وجود این، او به تاریخ ساختارهای دینی علاقمند نبود. این‌جا مهم‌ترین بی‌کفایتی رهیافتش مطرح می‌شود، زیرا حتی متعالی‌ترین بیان دینی فی‌المثل، جذبه عرفانی خود را از طریق ساختارهای ویژه و تجلیات فرهنگی‌ای که در وضعیت تاریخی هستند، نشان می‌دهد. در واقع، فاندرلیو برای ریخت‌شناسی دینی یا پدیده‌شناسی موروثی دین تلاشی نکرد. ولی چنین کمبودی هیچ از اهمیت اثر وی نمی‌کاهد. فاندرلیو پیشروی پُر شور و شوق بود، گرچه استعداد چندجانبه‌اش به او اجازه تکمیل و تنظیم هرمنوتیک دینی جدیدی را نداد.

بی‌نوشت:

* این مقاله ترجمه صفحات ۳۵-۳۴ (فصل دوم) این کتاب است:

Eliade, Mircea, "THE QUEST" history and meaning in religion, University of Chicago press 1996

- در حال حاضر نام گِراردوس فاندرلیو (Gerardus van der leeuw) مرتبط با پدیده‌شناسی دین است. درست است که وی نخستین رساله مهم در باب این موضوع را به نگارش درآورد، لیکن اثر چندجانبه رودلف اتو (Rudolf Otto) اجازه طبقه‌بندی دقیق و مشخص را در این باره نمی‌دهد. گرچه فاندرلیو به هنگام جوانی به تحصیل در زبان‌های شرقی پرداخت و مدرک دکتری را با پایان‌نامه خود در باب ادیان مصری اخذ نمود، بعدها دو کتاب عالی و درخشان پیرامون ادیان ابتدایی و مقالات بی‌شمار و تک‌نگاشت‌هایی درباره سایر ادیان مختلف و توحید آغازین و روان‌شناسی دین منتشر ساخت. علاوه بر این، وی شاعر، موسیقی‌دان، کشیش و نویسنده اثر پر اهمیت امر قدسی در هنر (هنر مقدس) بود. با این همه آن کنجکاوی پایان‌ناپذیر و علایق چندگانه نهایتاً به کار وی نیامد. وی همچنین نویسنده فوق‌العاده خوش‌ذوق و خوش‌قریحه‌ای بود. همواره به زیبایی، روشنی و به وضوح می‌نوشت. کتاب‌های وی به سهولت قابل فهم است، و نیاز به شرح و تفسیر ندارد. در دوره‌ای که نوشته‌های خشک و خسته‌کننده، دشوار و معماگونه در محافل فلسفی مد روز می‌شود، تفوق ادبی و وضوح در خطر این هستند که با سطحی بودن، تفننی بودن یا فقدان تفکر اصیل خلط شوند. در پدیده‌شناسی دین (۱۹۳۳) نوشته فاندرلیو ارجاعات کمی به هوسرل (Husserl) ولی ارجاعات نسبتاً زیادی به یاسپرس (Jaspers)، دیلتای (Dilthey)، ادوارد اشپرانگر (Eduard Spranger) یافت می‌شود. فاندرلیو به شدت تحت تأثیر روان‌شناسی گشتالت و روان‌شناسی ساخت‌گرا بود. به هر حال، او تا آن جایی که در توصیفات خویش به داده‌های دینی و حیث التفاتی خاص آنها توجه داشت، یک پدیده‌شناس باقی ماند. وی خاطر نشان کرد که تجلیات دینی، تحویل‌پذیر به کارکردهای اجتماعی، روان‌شناختی یا عقلانی نیست. او این پیش‌داوری طبیعت‌گرایانه را که می‌توان دین را براساس اموری غیر از خود دین تبیین نمود، رد کرد. برای فاندرلیو وظیفه اساسی پدیده‌شناسی دین روشن ساختن

